

وانسان وان گوک

وانسان وان گوک به سال ۱۸۵۳ در هلند متولد شد. پدرش کشیش بود. دوران کودکیش را در محیط خانواده و در نهایت دوستی و صفا سپری کرد. ۱۶ ساله بود که در لاهه نزد تاجری به فروشنده‌گی تابلوهای نقاشی استخدام شد.

چهار سال به این کار مشغول بود و بعد از آن به لندن و از آنجا به پاریس رفت و تصمیم گرفت بسک روحنیون در آید. به بلژیک رفت و در آموزشگاه وارد شد و دوره آن آموزشگاه را گذراند و پس از آن برای تبلیغ به شهر «واسم» رفت. وان گوک در کلبه‌ای گلین بیشتر اوقات خود را به پرستاری بیماران و تلاوت انجیل می‌گذراند. در سی و پنج سالگی عشق غریبی به نقاشی احساس نمود و بر اثر همین علاقه به لاهه رفت و نزد پسر عمویش بفرآ گرفتن نقاشی اشتغال ورزید و پس از آن وارد آکادمی «انورس» گردید. وان گوک از سال ۱۸۸۵ به فعالیت خود افزود و تابلوهای بسیاری کشید و به پاریس برد. در پاریس با نقاشان بسیاری مثل لوترک، بونارومونه آشنایی یافت، ولی جز با گوگن و بونار با کس دیگری ادامه دوستی نداد. در همین ایام بود، که آثار نقاش معروف دلاکروا را مورد مطالعه قرار داد و تحت تأثیر او قرار گرفته و سبک کارش را عوض کرد. وان گوک در سال ۱۸۸۸ به اریس در جنوب فرانسه رفت و آن شهر را برای اقامتگاه خود برگزید و در پرتو درخشان آنجا به نقاشی پرداخت.

وان گوک که از کودکی دچار بیماری صرع بود با این وصف و سواس زیادی در نقاشی داشت. اخلاقش تند و یک نوع خشم و عصبانیت همیشگی در او بود و در اثر همین بحران عصبی کوشش ناشنوا شد و حال غیر عادی یافت. او را به یکی از بیمارستانهای اعصاب واقع در سن زیمی بستری نمودند. وان گوک در بیمارستان هم دست از نقاشی نکشید. همین که بهبود یافت از بیمارستان بیرون آمد و به پاریس نزد برادرش مراجعت کرد. «ته او» او را زیر نظر گاشه به «اوویر» که جایی با صفایی بود فرستاد. وان گوک در این بیمارستان یک تابلو از دکتر گاشه کشید که یکی از آثار ارزنده‌اش به شمار می‌رود.

در «اوویر» حال وان گوک کاملاً خوب شد و به نقاشی و کشیدن تابلو ادامه داد، اما سوای بیماری سایه بدبختی و فقر همواره بر سرش بود تا این که در یکی از روزهای همان سال تپانچه‌ای از کسی گرفت و به مززعه‌ای رفت و در هوای آزاد و سکوت محض و فشار عواملی که ذکر شد انتحار کرد. فوراً او را به هتلی که در آن اقامت داشت بردند و دکتر گاشه گلوله را از سینه‌اش درآورد و زخمش را معالجه کرد و بخیه زد و او را به زندگی امیدوار ساخت. پس از آن باز هم زندگی وان گوک مشحون از غم و درد و حرمان بود تا سرانجام در سال ۱۸۹۰ درگذشت. (۱)

۱- دایرة المعارف یا دانش فرهنگ دانش و هنر: پرویز اسدی زاده، سعید محمودی، داریوش محمدخانی و... انتشارات اشرفی، چاپ هفتم، ۱۳۵۵، صفحات ۴۷۵-۴۷۶.